

توانایی کودکان پیش‌دبستانی برای تمایز میان حق استفاده و حق مالکیت

سعید محمودپور^۱

هادی بهرامی^۲

نورعلی فرخی^۳

فریبرز درتاج^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۸

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی توانایی کودکان پیش‌دبستانی برای تمایز میان هدیه، خرید و عاریه انجام شد. پژوهش حاضر کاربردی از نوع کمی بود. جامعه آماری پژوهش کودکان پیش‌دبستانی شهرستان پاکدشت در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند. نمونه پژوهش شامل ۲۵ نفر (۱۰ دختر و ۱۵ پسر) بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه ساختاریافته درباره مفاهیم هدیه (حق با خود بردن شی)، خرید (حق مالکیت بر شی) و عاریه (حق استفاده از شی) استفاده شد. روایی صوری و محتوایی سوال‌های مصاحبه توسط متخصصان تایید و پایایی آن با روش مصححان مطلوب گزارش شد. برای تحلیل داده‌ها از روش آزمون تی تک-نمونه‌ای و نرم‌افزار SPSS-19 استفاده شد. نتایج نشان داد که کودکان پیش‌دبستانی درک می‌کنند که در عاریه فقط حق استفاده از شی را دارند، اما حق مالکیت و بردن شی را با خود ندارند. همچنین در خرید و هدیه حق استفاده، حق مالکیت و حق بردن شی را با خود دارند. علاوه بر آن حق مالکیت و حق با خود بردن در هدیه و خرید به طور معناداری بیشتر از عاریه بود و بین میزان آنها در هدیه و خرید تفاوت معناداری وجود نداشت. بین حق استفاده در هدیه، خرید و عاریه تفاوت معناداری وجود نداشت ($P > 0.05$). با توجه به نتایج توصیه می‌گردد که به کودکان پیش‌دبستانی تمایز میان حق استفاده، حق مالکیت و حق با خود بردن بر اساس مفاهیم هدیه، خرید و عاریه آموزش داده شود.

کلیدواژه‌ها: کودکان پیش‌دبستانی، حق استفاده، حق مالکیت

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استاد گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) prof.bahrami114@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۴ استاد، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

خاستگاه مالکیت را می‌توانیم برخی از رفتارهایی بدانیم که نوزادان از بدو تولد نشان می‌دهند. سطوح رشد مالکیت و رفتارهایی که به نوعی نمایانگر مالکیت به شمار می‌روند را از تولد تا حدود پنج سالگی می‌توان مشاهده کرد. اولین سطح آن که از آغاز تولد در کودک مشاهده می‌شود، توانایی کودک برای جهت‌گیری به سوی پستان مادر یا هر چیزی است که به گونه‌اش برخورد نماید. در سطح دوم که از حدود دو ماهگی آغاز می‌شود، کودک به مالکیت بر عمل می‌رسد که با توانایی چسبیدن، گرفتن و خنده اجتماعی جلوه می‌کند. در سطح سوم که از حدود نه ماهگی شروع می‌شود، تبادلات سه‌تایی شکل می‌گیرد. این تبادلات خود کودک، اشخاص دیگر و اشیای محیط را شامل می‌گردد و در این سطح اشیا اهمیت بیشتری دارند. در سطح چهارم که از حدود هجده ماهگی آغاز می‌شود، کودک ضمن توانایی کاربرد ضمائر ملکی شروع به رقابت و کشمکش با همبازی‌هایش بر سر ملکیت بر اشیا می‌کند. در سطح پنجم که از حدود سه سالگی شروع می‌شود، انتقال از مالکیت غیرقابل انتقال به مالکیت انتقال‌پذیر شکل می‌گیرد. در سطح ششم که حدود پنج سالگی شروع می‌شود با رشد مالکیت اخلاقی همراه است. در این سطح کودکان آنچه که دیگران ممکن است در موقع مبادله با آنها ببینند را درمی‌یابند و می‌توانند مالکیت را با عدالت و انصاف همراه کنند (روچات^۱، ۲۰۱۰).

هنگامی می‌توانیم از توانایی کودک برای فهم و تشخیص روابط مالکیت میان اشخاص و اشیا متعلق به آنها سخن بگوییم که دو گونه توانایی در آنان پدید آمده باشد. یکی توانایی کودک برای ایجاد تداعی دیداری میان شخص و اموال متعلق به وی و دیگری توانایی درک گزارش‌های گفتاری مربوط به مالکیت. توانایی نخست در حدود یک سالگی بدست می‌آید، البته باید در نظر داشت که صرف همابندی میان شخص و شی برای برقرار شدن این پیوند کافی نیست، بلکه شخص مالک باید عمل یا اعمال عامدانه‌ای را بر روی شی انجام دهد تا این تداعی در ذهن کودک ایجاد شود. هنگامی با اطمینان بیشتری می‌توان توانایی کود از مفهوم مالکیت را ارزیابی کرد که شواهد گفتاری را نیز در دست داشته باشیم، شواهدی که کودک صراحتاً رابطه مالکیت میان یک شخص و یک شی را ابراز کند و این توانایی قبل از دو سالگی بدست می‌آید (بلک و هریس^۲، ۲۰۱۱). بررسی‌ها حاکی از

¹ . Rochat

² . Blake & Harris

آن است که کودکان دو ساله اشیای متعلق به خودشان، مادرشان و دوستانشان را به درستی تشخیص می‌دهند (راس، فریدمن و فیلد^۱، ۲۰۱۵). هنگامی که کودکان بر پایه تداعی‌های دیداری یا گزارش‌های گفتاری به مالکیت کسی بر شی خاصی پی بردند، در پی آن امتیازاتی را برای مالک آن شی قائل می‌شوند. برای نمونه کودکان دو ساله حق کنترل برای مالک قائل هستند و اولویت برای استفاده را به مالک می‌دهند و در جایی که بین مالک و استفاده‌کننده از شی تعارض پدید آید، بیشتر از بزرگسالان از حق مالک جانبداری می‌کنند. در مقابل بزرگسالان حتی در مورد تعارض میان اشخاص بزرگسال و اموال با ارزش مانند موبایل نیز کمتر از کودکان سه تا هفت ساله اولویت کمتری برای مالک قائل هستند (فریدمن و نیری^۲، ۲۰۰۷). دانسته‌های کودکان درباره مالکیت ناشی از آموزه‌های والدین نیست و کودکان برخلاف مادرانشان در حل و فصل نزاع‌هایی که در مورد در اختیار گرفتن اشیای رخ می‌دهد، اولویت بیشتری را برای مالک قائل هستند. برای مثال کودکان دو ساله هنگامی که گفته می‌شود چیزی متعلق به آنهاست، موقعی که کسی بخواهد آن را بردارد بیشتر اعتراض می‌کنند تا موقعی که به آنها گفته شود مال شخص دیگری است (روسانو، راکوزی و تاماسیلو^۳، ۲۰۱۱). کودکان برای تعیین مالکیت از چندین اصل پیروی می‌کنند که مهم‌ترین آنها شامل اولویت در کنترل، تلاش و صرف انرژی و ابداع و ابتکار می‌باشند (روچات، ۲۰۱۰). کودکان برای تعیین مالک یک شی به سمت شخصی که در حال کنترل و استفاده از آن است، سوگیری دارند. یعنی سوگیری به سود اولین کسی است که آن شی را در اختیار دارد (فریدمن، ون دی‌واندرورت، دیفیتر و نیری^۴، ۲۰۱۳). عامل تعیین‌کننده دیگر برای تعیین مالکیت ابداع و ابتکار است و کودکان سه و چهار ساله در شرایط کار خلاقانه بر روی خاک رس کسی را که کار را انجام داده است به‌عنوان مالک در نظر گرفتند، در حالی که بزرگسالان حق مالکیت را بر مالک اولیه حفظ کردند. بنابراین کودکان در عین اینکه از اصل اولین کنترل‌کننده (استفاده‌کننده) استفاده می‌کنند، اصل دیگری دارند که اصل اول را تعدیل یا حتی نقض می‌کند و آن اصل یا عامل ابداع و ابتکار

1 . Ross, Friedman & Field

2 . Friedman & Neary

3 . Rossano, Rakoczy & Tomasello

4 . Friedman, Van DeVondervoort, Defeyter & Neary

می‌باشد که با دو شرط صرف وقت و کار خلاقانه‌ای که با تغییر ماهیت شی اول همراه شود (کانیجیسر و هود^۱، ۲۰۱۴).

کودکان با رشد بیشتر اندک اندک می‌توانند به قابل انتقال بودن اشیا پی ببرند و اصول این انتقال را درک نمایند. انتقال یک شی از چند راه صورت می‌گیرد که شامل راه‌های خشن (دزدی و غضب) و بخشیدن و توافق (مبادله و تبادل) می‌باشند. افزایش تجارب اجتماعی کودکان و رشد آنها در زمینه نظریه ذهن به توانایی کودکان در درک و تسلط به راه‌های انتقال اشیا کمک می‌کند (روچات، ۲۰۱۴). نظریه ذهن به فهم کودکان از ذهن و به سخن دیگر به دریافت و برداشت کودکان از حالت‌های ذهنی (هیجان، آرزو و باور) می‌پردازد و به نحوه‌ای که این حالات به رفتار مربوط هستند، اشاره می‌کند (سالکیند^۲، ۲۰۰۸). رشد نظریه ذهن در کودکان می‌تواند موجب شود کودکان را برای به اشتراک گذاشتن اموالشان ترغیب کند. رفتار به اشتراک گذاشتن کودکان با نظریه ذهن همبستگی مثبت دارد. این رفتارها با درک کودکان از نظریه ذهن و نیز با نشانه‌های ارتباطی که توسط یک هم‌بازی ارائه می‌شود افزایش می‌یابد (وو و سو^۳، ۲۰۱۳). علاوه بر رشد نظریه ذهن، افزایش تجربیات تجربیات اجتماعی در کودکان موجب آشنایی بیشتر آنها با اصول و قواعد انتقال اموال می‌شود. برای مثال کودکان سه و چهار ساله در صورتی هدیه گیرنده را مالک قلمداد می‌کنند که هدیه به صورت کادوییچ در یک موقعیت متعارف مثل جشن تولد داده شود، ولی در شرایط غیرمتعارف به مالکیت هدیه دهنده رای می‌دهند. این نتیجه نشان‌دهنده تاثیر تجربیات اجتماعی در داوری کودکان در خصوص مالکیت است (بلک و هریس، ۲۰۰۹). در صورتی پاسخ کودکان به سوال‌های مالکیت به پاسخ‌های بزرگسالان نزدیک‌تر است که درباره نسخه‌های اجتماعی باشد که کودک به خوبی آنها را آموخته باشد، به جای مالکیت از حقوق اموال سوال شود و عوامل موقعیتی مانند بافت اول شخص به جای سوم شخص را شامل شود (نولز و کیل^۴، ۲۰۱۱). کودکان به تدریج مفهوم خرید را درک می‌کنند و این درک با آشنا شدن با نقش پول در خرید و فروش آغاز می‌گردد. کودکان در حدود سه تا چهار و نیم سالگی می‌توانند پول را از اشیای مشابه و همچنین برخی پول‌ها را از هم تشخیص دهند و حدود پنج تا شش سالگی متوجه می‌شوند که پول با خرید کردن مرتبط است و اگر بدون

1 . Kannigiesser & Hood

2 . Salkind

3 . Wu & Su

4 . Noles & Keil

پرداخت پول، اجناس یا اشیایی را از فروشگاه برداریند به زندان می‌افتند. رشد کودکان در زمینه مفاهیم مربوط به پول و خرید کردن تا حدود یازده و نیم سالگی ادامه می‌یابد و در این سن کودکان درک نسبتاً رشدیافته‌ای در مورد خرید و فروش پیدا می‌کنند (کیم و کالیش^۱، ۲۰۰۹).

کودکان خردسال نیز می‌توانند مالک را به درستی شناسایی کنند، اما چرا کودکان گرایش و سوگیری به سود اولین کنترل‌کننده یا استفاده‌کننده دارند؟ پاسخ می‌تواند این باشد که کودکان در مورد مالک و آنچه متعلق به او شمرده و خوانده می‌شود، تداعی برقرار می‌کنند و بر اساس این تداعی حقوق و اختیاراتی را برای مالک برمی‌شمرند. پس از انتقال ممکن است به یکباره تمامی این اختیارات را به کسی که با او انتقال داده شده منتقل کنند. همچنین می‌توان گفت که حقوق و تکالیف چندگانه‌ای برای مالک وجود دارد. (۱) حق فرد برای استفاده از مال یا شی متعلق به خود، (۲) حق فرد برای بازداشتن دیگران از دسترسی به اموال یا اشیای او، (۳) حق فرد برای منتقل کردن مال یا شی به دیگران، (۴) حق تنبیه، (۵) تکلیف به جبران خسارت به اموال و اشیای دیگران و (۶) مسئولیت جبران خسارتی که ممکن است از آن مال یا شی به دیگران برسد. بنابراین می‌توان این‌گونه گفت که ممکن است کودکان در روند رشد مالکیت و پذیرفتن حق انتقال گیرنده به یکباره تمامی این حقوق و تکالیف را به مالک جدید منتقل نکنند و به تدریج در مورد هر کدام از این موارد به انتقال رای دهند، لذا اگر تنها این که مالک چه کسی است یا این مال کیست مورد سوال واقع شود، احتمالاً کودکان در سنین پایین‌تر به پاسخ درست می‌رسند، ولی ممکن است در مورد سایر ابعاد مالکیت زمان بیشتری برای رسیدن به پاسخ نیاز داشته باشند (مورینو، کر، جنکینز، لام و مالیک^۲، ۲۰۱۹).

درباره حق استفاده و حق مالکیت در کشور ایران پژوهشی یافت نشد، اما در کشورهای دیگر پژوهش‌های نسبتاً زیادی انجام شده است که مهم‌ترین آنها به شرح زیر می‌باشند. برای مثال لیو، لین، کوئین و یانگ^۳ (۲۰۱۸) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که کودکان دو تا پنج ساله برای دفاع از اسباب‌بازی‌هایی که گفته شده به آنها تعلق دارد، پرخاشگری بیشتری نشان می‌دهند تا اسباب‌بازی‌هایی که گفته شده متعلق به کل کلاس است. ژو، لیندرز و کانگ^۴ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای بر روی کودکان ۳۲ تا ۶۴ ماهه بر روی مالکیت بر اسباب‌بازی‌ها به این نتیجه رسیدند کودکانی که

1 . Kim & Kalish

2 . Moreno, Kerr, Jenkins, Lam & Malik

3 . Liu, Linn, Qin & Yang

4 . Zhou, Leenders & Cong

به آنها گفته شد که اسباب‌بازی‌ها متعلق به آنها است، در مقایسه با کودکانی که به آنها گفته شد اسباب‌بازی‌ها متعلق به کلاس است، کنترل خود را بر اسباب‌بازی‌ها حفظ کردند، به طور کلامی اظهار کردند که اسباب‌بازی‌ها مال آنه است، کمتر آنها را در اختیار دیگران قرار دادند و در برابر تلاش همسالان برای گرفتن اسباب‌بازی‌ها از آنها از خود و اسباب‌بازی‌هایشان دفاع کردند. در پژوهشی دیگر راس و همکاران (۲۰۱۵) ضمن بررسی کودکان ۲۴ و ۳۰ ماهه گزارش کردند که همه کودکان حقوق مالکیت را رعایت کردند. کودکانی که مالک اسباب‌بازی بودند در مقایسه با غیرمالکین احتمال بیشتری داشت که اسباب‌بازی را در اختیار خود نگاه دارند که این نتیجه از طریق بررسی‌های کلامی (گفتن مال منه) و غیرکلامی (تلاش برای بازگرفتن اسباب‌بازی‌ها از دست دوستان) مشخص شد. همچنین کودکان اظهار مالکیت خود را به ارائه هر اطلاعات دیگری ترجیح می‌دادند. آنها اسباب‌بازی‌های خودشان را بیشتر از اسباب‌بازی‌های دیگران به صورت کلامی و غیرکلامی مطالبه می‌کردند و نکته جالب توجه دیگر اینکه آنان بیشتر بر مالکیت دوستانشان بر اسباب‌بازی متعلق به آنها تاکید کردند. همچنین ورکویتن، سیرکسما و تیجز^۱ (۲۰۱۵) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که کودکان صرف تقدم در واردشدن به جایی موجب مالکیت و استفاده انحصاری نمی‌شود، بلکه آنها کسی را که زودتر وارد شده را بیشتر مالک می‌دانند. نتایج پژوهش کانجیسر و هود (۲۰۱۴) نشان داد که اگر کودکان چیزی را با کاغذ یا خمیربازی درست کرده باشند، در صورتی که کسی بخواهد آن را بردارد، کودکان دو و سه ساله در مورد چیزهایی که خودشان ساخته بودند در مقایسه با چیزهایی که شخص دیگر ساخته بود بیشتر اعتراض می‌کردند. این امر نشان‌دهنده این است که آنها از حق مالک برای ممانعت از برداشتن اموال آگاه بودند. در پژوهشی دیگر راس، کانانت و ویکار^۲ (۲۰۱۱) ضمن بررسی کودکان ۲۰ تا ۳۰ ماهه گزارش کردند که مادران در منازعاتی که میان کودکان بر سر اسباب‌بازی‌ها رخ می‌داد کمتر از کودکان از مالک جانبداری می‌کردند، ولی در بیشتر مجادله‌ها کودکی که مالک بود، چیره می‌شد و کودک غیرمالک حق استفاده و مالکیت را به کودک مالک می‌داد. علاوه بر آن فریدمن (۲۰۰۸) ضمن پژوهشی بر روی کودکان ۲ و ۴ ساله به این نتیجه رسید که همه کودکان، افرادی که اسباب‌بازی را در ابتدا در اختیار داشتند را مالک آن انتخاب کردند. کودکان در شرایطی که فردی برای مدت کوتاهی اسباب‌بازی‌ای را در اختیار داشت و سپس کودک

^۱ . Verkuyten, Sierksma & Thijs

^۲ . Ross, Conant & Vickar

دیگری به مدت طولانی‌تری با آن بازی کرد، باز هم کسی که ابتدا اسباب‌بازی را در اختیار داشت، مالک می‌دانستند. البته چند نفر از کودکان ۲ ساله افرادی که اسباب‌بازی در دست آنها بود را مالک معرفی کردند که دلیل احتمالی آن ضعف حافظه کودکان ۲ ساله است.

بررسی‌های محقق نشان داد با این که پژوهش‌های نسبتاً زیادی درباره حق استفاده و حق مالکیت پژوهشی بر روی کودکان انجام شده است، اما هیچ پژوهشی در کشور ایران به بررسی مفاهیم از نظر کودکان نپرداخته است. همچنین در مورد استفاده و مالکیت اشیا و انتقال آنها و برداشتی که کودکان از حقوق انتقال‌گیرنده دارند، مجادله‌های فراوان و بحث‌برانگیزی وجود دارد. در شرایط هدیه در جایی که شخص اسباب‌بازی را در اختیار داشت و سپس آن را به دیگری هدیه می‌دهد (بدون اینکه آن را کادو کند) کودکان سوگیری به سود مالک اولیه دارند، اما در شرایط هدیه متعارف کودکان به طور معناداری بیشتر از شرایط هدیه نامتعارف هدیه‌گیرنده را مالک قلمداد می‌کنند. این نتایج حاکی از اهمیت عوامل متعددی از جمله رشد کودک در زمینه نظریه ذهن، تجربه و بسیاری از عوامل دیگر می‌باشد. بنابراین برای داشتن درک درست و کامل از باورهای کودکان درباره حق استفاده و مالکیت نیاز به پژوهش‌هایی بسیاری است و با توجه به اینکه در کشور ایران پژوهشی در این زمینه انجام نشده است، پژوهش حاضر با هدف بررسی توانایی کودکان پیش‌دبستانی برای تمایز میان حق استفاده و حق مالکیت انجام شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی بود. جامعه آماری پژوهش کودکان پیش‌دبستانی شهرستان پاکدشت در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند. نمونه پژوهش شامل ۲۵ نفر (۱۰ دختر و ۱۵ پسر) بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. در این روش نمونه‌گیری پس از تهیه لیست همه مدارس دارای پیش‌دبستانی تعداد چهار مدرسه (دو پسرانه و دو دختران) به روش تصادفی انتخاب و همه کودکان پیش‌دبستانی آن پس از بررسی ملاک‌های ورود به مطالعه به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل برخورداری از سلامت جسمی، داشتن سن ۵ سال تمام، مشکوک نبودن به اختلال یادگیری یا سایر اختلال‌های روانشناختی و عدم رخداد تنش‌زا در زندگی آنان در طی شش ماه گذشته و ملاک‌های خروج از مطالعه عدم امضای رضایت‌نامه شرکت در پژوهش توسط یکی از والدین کودکان و عدم پاسخگویی کودکان به بیش از بیست درصد سوال‌های مصاحبه بود.

روند اجرای پژوهش به این صورت بود که پس از تصویب پروپوزال در دانشگاه و دریافت معرفی‌نامه به اداره آموزش و پرورش شهرستان پاکدشت، به این اداره مراجعه و پس از بیان اهمیت و ضرورت پژوهش و دریافت موافقت آنان، لیست مدارس دارای کودکان پیش‌دبستانی تهیه و به مدارس نمونه‌گیری شده مراجعه و در حضور مسئولان مدارس از اولیای کودکان رضایت‌نامه شرکت در پژوهش اخذ شد و سپس یک مصاحبه‌کننده حرفه‌ای اقدام به اجرای مصاحبه کرد. مصاحبه برای هر کودک به صورت انفرادی اجرا شد و حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه طول کشید. سوال‌های مصاحبه مربوط به موقعیت‌هایی درباره حق استفاده، مالکیت و با خود بردن درباره مفاهیم هدیه، خرید و عاریه بود که توسط پژوهشگر و زیر نظر ۱۵ نفر از متخصصان از جمله استاد راهنما و مشاور تهیه و شاخص‌های روان‌سنجی آن مورد تایید قرار گرفته بود. تعداد کل موقعیت‌های مربوط به مفاهیم هدیه، خرید و عاریه شش موقعیت (هر مفهوم دو موقعیت) بود که درباره هر موقعیت حق استفاده، حق مالکیت و حق با خود بردن از نظر کودکان پیش‌دبستانی سنجیده و بر اساس طیف ۱۰ درجه‌ای لیکرت از یک تا ده توسط مصاحبه‌کننده نمره‌گذاری شد. نمره هر یک از حق‌ها بر اساس هر موقعیت به تفکیک با هم جمع می‌شود، لذا دامنه نمرات حق استفاده، حق مالکیت و حق با خود بردن برای هر یک از مفاهیم سه‌گانه هدیه، خرید و عاریه ۲۰-۲ است و نمره بیشتر نشان‌دهنده حق بیشتر برای آن مفهوم می‌باشد. به طور کلی سوال‌های مصاحبه درباره حق استفاده، مالکیت و با خود بردن حول سه مفهوم هدیه (حق با خود بردن شی)، خرید (حق مالکیت بر شی) و عاریه (حق استفاده از شی) بود که روایی صوری و محتوایی سوال‌های مصاحبه توسط متخصصان روانشناسی و علوم تربیتی تایید و پایایی آن با روش مصححان مطلوب گزارش شد.

نکات اخلاقی پژوهش از جمله اصل رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات شخصی، حفظ حریم آزمودنی‌ها، تحلیل داده‌ها به صورت کلی، اطلاع از نتایج کلی پژوهش و غیره به اولیای دانش‌آموزان بیان و داده‌های جمع‌آوری شده در نتیجه مصاحبه ساختاریافته با روش آزمون تی تک-نمونه‌ای و نرم‌افزار SPSS-19 تحلیل شدند.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان ۲۵ نفر از کودکان پیش‌دبستانی بودند. نتایج شاخص‌های فراوانی و درصد فراوانی بر اساس جنسیت و دامنه سنی در کودکان پیش‌دبستانی در جدول ۱ گزارش شده است. جدول ۱: نتایج شاخص‌های فراوانی و درصد فراوانی بر اساس جنسیت و دامنه سنی در کودکان پیش‌دبستانی

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	دختر	۱۰	۴۰
	پسر	۱۵	۶۰
دامنه سنی	۵/۳-۵/۱ سال	۸	۳۲
	۵/۶-۵/۴ سال	۱۱	۴۴
	۵/۹-۵/۷ سال	۶	۲۴

طبق نتایج جدول ۱ از میان کودکان پیش‌دبستانی ۱۰ نفر (۴۰ درصد) دختر و ۱۵ نفر (۶۰ درصد) پسر بودند. همچنین سن ۸ نفر (۳۲ درصد) تا ۵/۳ تا ۵/۱ سال، ۱۱ نفر (۴۴ درصد) تا ۵/۶ تا ۵/۴ سال و ۶ نفر (۲۴ درصد) تا ۵/۹ تا ۵/۷ سال بود. نتایج فراوانی حق استفاده، حق مالکیت و حق با خود بردن در مفاهیم هدیه، خرید و عاریه از نظر کودکان پیش‌دبستانی در جدول ۲ گزارش شده است. جدول ۲: نتایج فراوانی حق استفاده، مالکیت و با خود بردن در مفاهیم هدیه، خرید و عاریه از نظر کودکان

پیش‌دبستانی

نوع حق / مفاهیم	هدیه	خرید	عاریه
حق استفاده	۲۴	۱۸	۲۲
حق مالکیت	۲۴	۲۴	۲
حق با خود بردن	۲۳	۲۴	۲

نتایج میانگین حق استفاده، حق مالکیت و حق با خود بردن در مفاهیم هدیه، خرید و عاریه از نظر کودکان پیش‌دبستانی در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: نتایج میانگین حق استفاده، مالکیت و با خود بردن در مفاهیم هدیه، خرید و عاریه

نوع حق / مفاهیم	هدیه	خرید	عاریه
حق استفاده	۱۷/۲۴	۱۴/۷۷	۱۵/۸۶
حق مالکیت	۱۷/۱۵	۱۸/۵۰	۲/۲۷
حق با خود بردن	۱۶/۴۹	۱۸/۸۲	۲/۰۳

طبق نتایج جدول ۲ و ۳ از نظر کودکان پیش‌دبستانی در هدیه و خرید حق استفاده، مالکیت و با خود بردن شی زیاد وجود دارد. همچنین در عاریه حق استفاده از شی به میزان زیادی وجود دارد، اما حق مالکیت و با خود بردن شی به میزان کمی وجود دارد. نتایج آزمون تی تک-نمونه‌ای برای مقایسه تفاوت حق استفاده، حق مالکیت و حق با خود بردن در مفاهیم هدیه، خرید و عاریه از نظر کودکان پیش‌دبستانی در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تی تک-نمونه‌ای برای مقایسه تفاوت حق استفاده، حق مالکیت و حق با خود بردن در مفاهیم هدیه، خرید و عاریه از نظر کودکان پیش‌دبستانی

نوع حق	مفهوم i	مفهوم j	مقدار t	معناداری
حق استفاده	هدیه	عاریه	۱/۳۸	$p > 0.05$
	خرید	عاریه	۱/۲۴	$p > 0.05$
	هدیه	خرید	۲/۵۹	$p > 0.05$
حق مالکیت	هدیه	عاریه	۲۸/۶۸	$p < 0.05$
	خرید	عاریه	۲۹/۷۵	$p < 0.05$
	هدیه	خرید	۱/۴۳	$p > 0.05$
حق با خود بردن	هدیه	عاریه	۲۷/۲۱	$p < 0.05$
	خرید	عاریه	۳۳/۴۹	$p < 0.05$
	هدیه	خرید	۱/۸۶	$p > 0.05$

طبق نتایج جدول ۴ از نظر کودکان پیش‌دبستانی بین حق استفاده از شی در هدیه، خرید و عاریه تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین حق مالکیت و حق با خود بردن شی در هدیه و خرید به طور معناداری بیشتر از عاریه است و بین میزان آنها در هدیه و خرید تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تفاوت در حق استفاده، مالکیت و با خود بردن اشیا در موقعیت‌های هدیه، خرید و عاریه و اهمیت آنها در رفتارهای کودکان پیش‌دبستانی و درگیری‌های احتمالی کودکان با یکدیگر درباره مالکیت اشیا، پژوهش حاضر با هدف بررسی توانایی کودکان پیش‌دبستانی برای تمایز میان حق استفاده و حق مالکیت انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از نظر کودکان پیش‌دبستانی در هدیه و خرید حق استفاده، مالکیت و با خود بردن شی زیاد وجود داشت. همچنین در عاریه حق استفاده از شی به میزان زیادی وجود داشت، اما حق مالکیت و با خود بردن شی به میزان بسیار ناچیزی وجود داشت. علاوه بر آن، از نظر آنها بین حق استفاده از شی در هدیه، خرید و عاریه تفاوت معناداری وجود نداشت و در هر سه می‌توان از شی استفاده کرد. همچنین حق مالکیت و حق با خود بردن شی در هدیه و خرید به طور معناداری بیشتر از عاریه بود و بین میزان آنها در هدیه و خرید تفاوت معناداری وجود نداشت. این نتایج از جهاتی با نتایج پژوهش‌های قبلی همسو بود (لیو و همکاران، ۲۰۱۸؛ ژو و همکاران، ۲۰۱۸؛ راس و همکاران، ۲۰۱۵؛ ورکویتن و همکاران، ۲۰۱۵؛ کانجیسر و هود، ۲۰۱۴؛ راس و همکاران، ۲۰۱۱ و فریدمن، ۲۰۰۸). برای مثال ژو و همکاران

(۲۰۱۸) در مطالعه‌ای بر روی کودکان ۳۲ تا ۶۴ ماهه بر روی مالکیت بر اسباب‌بازی‌ها به این نتیجه رسیدند کودکانی که به آنها گفته شد که اسباب‌بازی‌ها متعلق به آنها است، در مقایسه با کودکانی که به آنها گفته شد اسباب‌بازی‌ها متعلق به کلاس است، کنترل خود را بر اسباب‌بازی‌ها حفظ کردند، به طور کلامی اظهار کردند که اسباب‌بازی‌ها مال آنه است، کمتر آنها را در اختیار دیگران قرار دادند و در برابر تلاش همسالان برای گرفتن اسباب‌بازی‌ها از آنها از خود و اسباب‌بازی‌هایشان دفاع کردند. در پژوهشی دیگر راس و همکاران (۲۰۱۵) ضمن بررسی کودکان ۲۴ و ۳۰ ماهه گزارش کردند که همه کودکان حقوق مالکیت را رعایت کردند. کودکانی که مالک اسباب‌بازی بودند در مقایسه با غیرمالکین احتمال بیشتری داشت که اسباب‌بازی را در اختیار خود نگاه دارند. همچنین راس و همکاران (۲۰۱۱) ضمن پژوهشی درباره کودکان ۲۰ تا ۳۰ ماهه به این نتیجه رسیدند که مادران در منازعاتی که میان کودکان بر سر اسباب‌بازی‌ها رخ می‌داد کمتر از کودکان از مالک جانبداری می‌کردند، ولی در بیشتر مجادله‌ها کودکی که مالک بود، چیره می‌شد و کودک غیرمالک حق استفاده و مالکیت را به کودک مالک می‌داد.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر کودکان پیش‌دبستانی در حالی که برای عاریه گیرنده حق استفاده را حتی بیشتر از خریدار و تقریباً به اندازه هدیه گیرنده قائل هستند، اما از نظر حق مالکیت و حق با خود بردن آن را متعلق به عاریه دهنده می‌دانند و مالکیت و بردن آن را توسط عاریه گیرنده مجاز نمی‌پندارند. کودکان تحت دو نیروی متضاد قرار دارند. آنها از یک سو تحت حقوق و امتیازاتی که برای مالک اولیه یک شی قائل هستند، قرار دارند و از سوی دیگر حقوق و امتیازاتی برای استفاده کننده بعدی آن قائل هستند. هر چند حق انتقال مال یکی از همین حقوق و اختیارات به شمار می‌آید، ولی مهم این است که کودکان درمی‌یابند مالک اولیه با انتقال دادن مالکیت به شخص دیگر و رضایت به این انتقال، حقوق خود را از دست داده و همه حقوق خود را به انتقال گیرنده منتقل کرده است و یا اینکه می‌پندارد مالک اولیه همچنان حقوق و اختیارات خود را حفظ کرده و هرگاه اراده کند، می‌تواند آن شی را پس بگیرد. کودکان از یک سو نمی‌توانند به سادگی از تداعی‌ها و پیوندهایی که میان یک شخص و شی متعلق به او برقرار کرده، رها شوند و از سوی دیگر می‌دانند که استفاده کننده کنونی نیز ممکن است دارای حقوق و امتیازاتی برای آن شی باشد. کودکان از یک سو باید از اینکه مالک یک شی بودن را از صفات مالک آن بدانند، رها شوند و از سوی دیگر از بند اینکه تعلق به شخص خاصی داشتن را از ویژگی‌های شی بدانند، رها شوند. این روند رها شدن به تدریج شکل

می‌گیرد و احتمالاً حدود سه سالگی به تدریج به انتقال‌پذیر بودن مالکیت پی می‌برند. همچنین درک اینکه آیا انتقال یافتن یک شی از یک شخص به شخص دیگری مالکیت را نیز منتقل می‌کند یا نه، از یک سو مستلزم رشد اجتماعی کودک و از سوی دیگر مستلزم رشد نظریه ذهن است. یعنی کودک درمی‌یابد که مالک از نقل و انتقال آنچه که منتقل می‌کند چه قصد و نیتی دارد و اینکه آیا انتظار وی بازگرداندن شی است یا خیر. نتایج حاکی از آن بود که کودکان پیش‌دبستانی بر این محدودیت‌ها چیره شدند، هر چند که کاملاً بر این محدودیت‌ها غلبه نکرده‌اند. به طور کلی نتایج نشان داد که کودکان پیش‌دبستانی به این درک و برداشت رسیدند که دریابند حق استفاده و حق مالکیت دو امر قابل تفکیک به شمار می‌آیند و کسی که حق استفاده دارد، لزوماً مالک نیست. پس اکثر کودکان در سنین پیش‌دبستانی درمی‌یابند که چه انتقال‌هایی با انتقال مالکیت همراه است و چه انتقال‌هایی تنها با حق استفاده همراه است، بدون اینکه با انتقال مالکیت همراه باشد. با توجه به نتایج پیشنهاد می‌گردد که والدین و مربیان تفاوت میان ادراک کودکان پیش‌دبستانی و بزرگسالان و حتی کودکان سنین متفاوت را در نظر داشته باشند و بر اساس آنها و به صورت منصفانه با آنها رفتار نمایند. همچنین توصیه می‌گردد که به کودکان پیش‌دبستانی تمایز میان حق استفاده، حق مالکیت و حق با خود بردن بر اساس مفاهیم هدیه، خرید و عاریه آموزش داده شود. بدون شک آموزش آنها در موقعیت‌های عملی و با تکرار فراوان امکان‌پذیر خواهد شد.

کتابنامه

- Blake, P. R., & Harris, P. L. (2009). Children's understanding of ownership transfers. *Cognitive Development*, 24(2), 133-145.
- Blake, P. R., & Harris, P. L. (2011). Early representations of ownership origins of ownership property. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 132, 39-51.
- Friedman, O. (2008). First possession: An assumption guiding inferences about who owns what. *Psychological Bulletin & Review*, 15, 290-295.
- Friedman, O., & Neary, K. R. (2007). Determining who owns what: Do children infer ownership from first possession? *Cognition*, 107(3), 829-849.
- Friedman, O., Van DeVondervoort, J. W., Defeyter, M. A., & Neary, K. (2013). First possession, history, and young children's ownership judgments. *Child Development*, 84(5), 1519-1525.
- Kannigiesser, P., & Hood, B. M. (2014). Young children's understanding of ownership rights for newly made objects. *Cognitive Development*, 29, 30-40.
- Kim, S., & Kalish, C. W. (2009). Children's ascriptions of property rights with changes of ownership. *Cognitive Development*, 24(3), 322-336.
- Liu, A. A., Linn, J., Qin, P., & Yang, J. (2018). Vehicle ownership restrictions and fertility in Beijing. *Journal of Development Economics*, 135, 85-96.
- Noles, N. S., & Keil, F. C. (2011). Exploring ownership in a developmental context. origins of ownership property. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 91-103.
- Moreno, M. A., Kerr, B. R., Jenkins, M., Lam, E., & Malik, F. S. (2019). Perspectives on smartphone ownership and use by early adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 64(4), 437-442.
- Rochat, P. (2010). Possession and morality in early development. *New Directions in Child and Adolescent Development*, 132, 1-24.
- Rochat, P. (2014). *Origins of possession owning and sharing in development*. Cambridge United Kingdom: Cambridge University Press.
- Ross, H., Friedman, O., & Field, A. (2015). Toddlers assert and acknowledge ownership rights. *Social Development*, 24(2), 341-356.
- Rossano, F., Rakoczy, H., & Tomasello, M. (2011). Young children's understanding of violations of property rights. *Cognition*, 121, 219-227.

Ross, R., Conant, C., & Vickar, M. (2011). Property rights and the resolution of social conflict. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 132, 53-64.

Salkind, N, J. (2008). *Encyclopedia of educational psychology*. California USA: SAGE Publications.

Verkuyten, M., Sierksma, J., & Thijs, J. (2015). First arrival and owning the land: How children reason about ownership of territory. *Journal of Environmental Psychology*, 41, 58-64.

Wu, Z., & Su, Y. (2013). Development of sharing in preschoolers in relation to theory of mind understanding. *Proceedings of the Annual Meeting of the Cognitive Science Society*, 35, 3811-3816.

Zhou, M., Leenders, M. A. A. M., Cong, L. M. (2018). Ownership in the virtual world and the implications for long-term user innovation success. *Technovation*, 78, 56-65.

